عنوان:

امیرالمومنین علی(ع)، همیشه مظلوم تاریخ

|  |  |
| --- | --- |
| **شناسنامه مطلب** | |
| کد مطلب | e-n-67 |
| موضوع | نحو/ نائب فاعل |
| رده | علمی/ ادبیات عرب/ نحو/ کمک آموزشی/ بهجت المرضیه / سوال و تمرین |
| برچسب | مظلومیت ائمه معصومین علیهم‌السلام، مظلومیت امیر المؤمین علیه السلام، نائب فاعل، فعل مجهول، متعدی به حرف جر، رکن کلام، اسم مفعول، مفعول باواسطه، مفعول بی واسطه |
| توضیحات | محتوای این فایل، پاسخ به [تمرین ۴۸۸](https://eitaa.com/karbordeelm/1386) از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](https://eitaa.com/karbordeelm) در پیام‌رسان ایتا است. |

**تمرین**:

متن:

فوالله ما زلت مدفوعا عن حقي مستأثرا علي منذ قبض الله نبيه صلى الله عليه و سلم حتى يوم الناس هذا

**سوال:**

نائب فاعل را در «مدفوعا» و «مستأثرا» تعیین کنید.

**جواب:**

مقدمات: آشنایی با ماده های به کار رفته و انواع استعمالات آن

* استاثر:
  + معنای لغوی:

به معنای مقدم داشتن و پیش انداختن است.

* + استعمالات:
    - با مفعول بی واسطه:

حیث معنا: اگر فعل استاثر همراه با معفول به بی واسطه به کار رفت به این معناست که فاعل فعل، این مفعول را پیش انداخته است.

* + مثال: استاثر زید عمرو
  + ترجمه : یعنی زید عمرو را پیش انداخت.
    - با معفول به با واسطه:
  + با حرف باء
    - حیث معنا : اگر فعل استاثر با باء متعدی شد به این معناست که فاعل ، خودش را نسبت به مجرور به حرف جر باء پیش انداخته است و آن را مخصوص به خودش کرده است.
    - مثال: استاثر زید (نفسه) بشیء
    - ترجمه: زید خودش را نسبت به آن چیز پیش انداخت و آن را مخصوص به خود کرد.
      * باحرف علی
        + حیث معنا: اگر فعل استاثر با علی متعدی شد به این معناست که فاعل خودش را بر مجرور علی پیش انداخته است.

مثال: استاثر زید (نفسه) علی عمرو

ترجمه : زید خودش را بر عمرو پیش انداخت.

* + نتیجه گیری از انواع استعمالات:
    - استعمال استاثر همراه با حرف جر علی در تمامی حالات جایز است.
    - اگر استاثر همراه با مفعول به با واسطه ی (حرف جر باء) به کار رفت به این معناست که فاعل خودش را نسبت به چیزی پیش انداخته است و در واقع فاعل و مفعول آن در معنا یکی هستند. ولی اگر همراه با مفعول به بی واسطه به کار رفت به این معناست که فاعل ، مفعول به بی واسطه را پیش انداخته است.
    - انواع استعمالات مجهولی نسبت به مفعول به بی واسطه و با واسطه:
    - نسبت به مفعول بی واسطه:
      * مثال: اُستوثر عمرو
        + ترجمه : عمرو پیش انداخته شد.
    - نسبت به مفعول با واسطه:
      * با حرف باء:
        + مثال: استوثر بشیء

ترجمه : پیش انداخته شدن چیزی نسبت به شیء اتفاق افتاد.

نکته: در این حالت این که چه چیزی پیش انداخته شده است مهم نیست بلکه تکیه کلام در این است که نسبت به آن شیء چیزی پیش انداخته شد.

* + - * با حرف علی:
        + مثال: استوثر علی رجالٍ

ترجمه : پیش انداخته شدن چیزی بر مردان اتفاق افتاد.

* + - * + نکته: در این حالت این که چه چیزی پیش انداخته شده است مهم نیست بلکه تکیه کلام در این است که مردان پیش انداخته شده است.
* دفع:
  + استعمالات:
    - با معفول به بی واسطه و معفول با واسطه با حرف جر عن :
      * حیث معنوی:
        + در این صورت فاعل‌ ، معفول بی واسطه را از مجرور به حرف جر عن دور کرده است.

مثال: دفع الله عنک کرها

ترجمه : خداوند ناراحتی را از تو دور کرد.

* + - استعمالات مجهولی:
      * نبست به مفعول بی واسطه و با واسطه با حرف جر عن :

مثال: دُفِع عنک کرهٌ

ترجمه : ناراحتی از تو دور شد.

* + - * نسبت به معفول با واسطه با حرف جر عن فقط

مثال: دفع عنک

ترجمه : دفع شدن از تو اتفاق افتاد.

* نائب فاعل مدفوعا:
  + اگر فقط ناظر به مفعول به بی واسطه مجهول شده باشد.
    - پس درون آن هیچ ضمیری موجود نیست و با توجه به اینکه خبر اول فعل زلت است معنا این چنین میشود:
      * معنا : من کسی هستم که پیوسته از حقم دفع شده است. یا به عبارت دیگر آن چیزی که از حقم دفع شده است من هستم.
  + اگر هم نسبت به مفعول با واسطه و هم بی واسطه مجهول شده باشد.
    - پس درون آن یک انا موجود است و با توجه به اینکه خبر اول فعل زلت است معنا این چنین میشود:
      * معنا : من کسی هستم که پیوسته از حقم دفع شده ام.
* نائب فاعل مستاثر:
  + اگر در آن یک ضمیر مستتر به عنوان نائب فاعل آن در نظر بگیریم.
    - * معنا: من کسی هستم که پیوسته بر چیزی من پیش انداخته شده است.
  + اگر در آن ضمیر مستتر در نظر نگیریم و نائب فاعل را جارومجرور در نظر بگیریم.
    - * معنا : من کسی هستم که پیوسته پیش انداخته شدن بر من اتفاق افتاده است.